

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۷

هزار و سیصد و نود و چهار - تیرم سال اول

۵	• تنش میان مدیریت متقللهای و جهانی در پیشگیری و سرکوب اعمال غیرقانونی در دریاها چشمید مستز - مسود علیزاده - شهرام زر نشان
۲۱	• نظام حقوقی حاکم بر جانشینی تعهدات در ادغام شرکت‌های تجاری یهرام حسن‌زاده
۴۳	• تخصیص صلاحیت تفتیتی مجلس شورای اسلامی در نظم اساسی ایران چواد تقی‌زاده - فاطمه سمیعیان
۶۳	• مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تفتیتی ایران با کنوانسیون مریدا در مبارزه با فساد مالی و تحولات آن محمد باقری کمارطیا
۹۳	• نظام نرم افزارهای متن باز سیدمحسن طلوع - جعفر نظام‌الملکی
۱۱۱	• مشروعیت توسل به زور در قبال دزدان دریایی سواحل سومالی زکبه تقی‌زاده
۱۶۵	• رویه حاکم بر حقوق استرداد مجرمین: مطالعه موردی: پرونده جولیان آسانژ فرید آزادبخت - مهدی ثنائی‌منش
۲۰۲	• ساختار و عملکرد دیوان آفریقایی حقوق بشر سیدبایسر ضیایی - سائق جعفرزاده درلبی
۱۷۵	• حقوق روشن در دریای سیاه: انعطاف و قابلیت پیش‌بینی معیارهای تحدید حدود مرزهای دریایی در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد رومانی - آکراین (۲۰۰۹) چشمید منقاری
۲۰۱	• یک جدال حقوقی تمام عیار: ایتالیا علیه دیوان بین‌المللی دادگستری فراز شهلائی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_32126.html

رویه حاکم بر حقوق استرداد مجرمین؛ مطالعه موردی: پرونده جولیان آسانژ

فرید آزادبخت*

مهدی توانایی منش**

چکیده

برخلاف رویه پیشین حقوق حاکم بر استرداد مجرمین که منافع سیاسی حاکمان، نقش تعیین کننده‌ای در چرایی و چگونگی استرداد مجرمین داشت، در نظم نوین بین الملل، برای به فعلیت در آمدن فرایند استرداد مجرمین ناگزیر به عبور از دو رهیافت حقوقی - اخلاقی با عنوان رهیافت وجود قانون و اجرای قانون باشیم که در مواردی همچون قضیه جولیان آسانژ، فرایند ناظر بر حقوق استرداد مجرمین تحت تأثیر منفعت طلبی و سیاست‌ورزی پاره‌ای از کشورها قرار می‌گیرد. در این مقاله ضمن ارائه مختصری از تاریخچه استرداد مجرمین، به توضیح و تبیین دو رهیافت وجود قانون و اجرای قانون با عنایت به قضیه جولیان آسانژ بنیانگذار سایت ویکی لیکس می‌پردازیم و با شرح اقدامات آسانژ و تمسک به دو رهیافت مذکور به واکاوی اتهام‌های وارد شده به آسانژ در مرحله وجود قانون و مسؤولیت دولت‌های سوئد و انگلستان در مرحله اجرای قانون خواهیم پرداخت.

کلید واژه‌ها:

رهیافت وجود قانون، رهیافت اجرای قانون، جولیان آسانژ، ویکی لیکس، امریکا، انگلیس، سوئد.

مقدمه

نهاد استرداد مجرمین یکی از قدیمی‌ترین نهادهای حقوق بین‌الملل است که به تبع تغییرات تاریخی و تکامل حقوقی حقوق بین‌الملل، این نهاد نیز با تغییرات ساختاری و محتوایی همراه بوده، به گونه‌ای که در عصر حاضر حقوق حاکم بر استرداد مجرمین را می‌توان حقوقی مشابه در محتوا و حقوقی متفاوت و تکامل یافته در عرضیات به نسبت حقوق پیشین حاکم بر استرداد مجرمین قلمداد کرد. برخلاف رویه پیشین ناظر بر استرداد مجرمین، این حقوق بیش از آنکه متأثر از جرم انجام گرفته یا اصولی همچون صلاحیت سرزمینی و قضایی باشد، متأثر از وجدان ملی و باورهای اخلاقی کشور پذیرنده است، به طوری که عامل تعیین‌کننده در استرداد یا عدم استرداد مجرم، نگاه جرم‌انگارانه و اخلاق‌گرایانه مقامات قضایی کشور پذیرنده است.

تغییرات شکل گرفته در حقوق استرداد مجرمین پیش رو، بیش و پیش از هر زمان دیگری این نهاد را از سیطره الگوهای تعریف شده عصر دولت‌گرایی خارج نموده و با پیوند اخلاق‌گرایی و فردگرایی، الگویی نوین را در معرض بشریت قرار داده است؛ به شکلی که در گذشته در موارد استثنایی فقط عاملی که باعث خودداری کشور پذیرنده از استرداد مجرمین می‌شد، ارتکاب جرایم سیاسی بود؛ اما در عصر حاضر، مزیت استثنایی مجرم سیاسی به یک مصونیت نهادینه شده بدل شده و کشورها خود را ملزم به عدم استرداد مجرمین سیاسی می‌دانند. اگرچه تغییرات پیش آمده قابل‌قدردانی و ارزشگذاری است، اما نبود الگویی جهان‌شمول و ضعف تفوق جمعی یا قدرت‌سیری‌ناپذیر سیاست، این نهاد را در معرض تهدید قرار داده است. به گونه‌ای که این نهاد گاهی دستخوش بهره‌برداری‌های سیاسی می‌شود که از نمونه‌های آن می‌توان به قضیه جولیان آسانژ اشاره کرد که به تفصیل به شرح آن خواهیم پرداخت.

تاریخچه استرداد مجرمین

استرداد مجرمین فرایندی است که در طی آن یک دولت از دولت دیگری که متهم یا مجرم به آنجا متواری شده است تقاضای استردادش را در طی یک اقدام حقوقی مطرح می‌کند. به لحاظ تاریخی استرداد نهادی است که قدمت آن را می‌توان به هزاران سال پیش مربوط دانست. اولین معاهده مرتبط با استرداد مجرمین در ۱۲۸۰ سال پیش از میلاد به وسیله رامسس دوم پادشاه مصر و پادشاه هیتیت سوم به ثبت رسیده است.^۱ در این معاهده طرفین متعهد شدند که علیه دشمنان داخلی به یکدیگر یاری رسانند و چنانچه این دشمنان

1. Gilbert, responding to international crime, 17.

به کشور دیگر پناهنده شوند، آنها را مسترد کنند.^۱ مدت کوتاهی پس از توافق بین مصری‌ها و هیتیت‌ها، معاهداتی در مورد استرداد مجرمین در سرزمین اسرائیل باستان و قوانین هندوی منوسمرتی یافت شده است.^۲ رومی‌ها نیز در حدود ۱۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، استرداد مجرمین را در قوانین خود لحاظ کرده‌اند.^۳

از دوران قرون وسطی مصادیق متعددی از قراردادهای استرداد بجا مانده است. برای نمونه قرارداد سال ۱۱۷۴ بین هانری دوم پادشاه انگلستان و گیوم پادشاه اسکاتلند، قرارداد سال ۱۳۰۳ بین ادوارد سوم پادشاه انگلستان و فیلیپ لویل، قرارداد سال ۱۳۷۶ میان کنت ساوی و چارلز پنجم از مصادیق قراردادهای استرداد هستند. شاید بتوان اولین معاهده استرداد مجرمین در غرب اروپا را معاهده بین انگلستان و اسکاتلند منعقد شده در سال ۱۱۷۴ دانست.^۴ اگرچه پس از این دوره نیز معاهداتی در زمینه استرداد مجرمین منعقد شد، اما با توجه به عدم وجود امکانات حمل‌ونقل در قرن هیجدهم و عدم توانایی متواریان به عزیمت به کشورهای دوردست می‌توان عنوان داشت که صرفنظر از موارد استثنایی و محدود، بیشتر معاهدات مربوط به استرداد مجرمین بین کشورهای همسایه و همجوار منعقد شده است.^۵

دس مارتنز حقوقدان و پژوهشگر روسی در یک تحقیق جامع، مجموعه کاملی از معاهدات دو جانبه در زمینه تسلیم مجرمین بین سال‌های ۱۷۱۸ و ۱۸۳۰ گردآوری کرد که تعداد آن به بیش از ۹۰ معاهده می‌رسد.^۶

البته روند رو به گسترش انعقاد معاهدات استرداد مجرمین به این سال‌ها محدود نمی‌شود. فقط بریتانیا در بین سال‌های ۱۹۱۰ و ۱۸۷۰ با ۳۴ کشور معاهده استرداد مجرمین منعقد کرده است.^۷ تا پیش از سال ۱۸۷۹ تمام معاهدات مربوط به استرداد مجرمین از یک ویژگی مشترک بهره‌مند بودند و آن دو جانبه بودن معاهدات منعقد شده بین کشورها بود.

معاهده استرداد مجرمین به وسیله کنگره حقوقدانان امریکایی در لیما در سال ۱۸۷۹ تدوین و تصویب شده است که در حقیقت اولین معاهده چندجانبه برای تأسیس قواعد خاص استرداد در میان کشورهای مختلف امریکایی بود که به امضای نه کشور امریکایی آرژانتین، بولیوی، شیلی، کاستاریکا، اکوادور، گواتمالا، پرو، اروگوئه و ونزوئلا رسید.^۸ این معاهده شامل

۱. ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، ۳۳.

2. Gilbert, Transnational Fugitive Offenders in International Law: Extradition and Other, 17

3. ibidem

4. Gilbert, responding to international crime, 18.

5. Shearer, Extradition in International Law, 8.

6. ibidem

7. Ibid, 15.

8. Zanotti, Extradition in Multilateral Treaties and Conventions, 1.

۲۲ ماده است که ماده ۱-۷ مواد اصلی و ماده ۱۸-۲۲ در بردارنده شروط پایانی است.^۱ البته باید گفت که این معاهده هیچ‌گاه لازم‌الاجرا نشده است. مدتی بعد در اروپا نیز کشورهای اروپایی به سمت انعقاد معاهدات چندجانبه استرداد مجرمین متمایل شدند. تا سال ۱۹۶۰ همه معاهدات استرداد (در اروپا) ماهیتاً دو جانبه بودند، اما در آوریل آن سال کنوانسیون اروپایی استرداد لازم‌الاجرا شد و با دو پروتکل الحاقی، یکی در اکتبر ۱۹۷۵ و دیگری در مارس ۱۹۷۸ تکمیل شد.^۲ در تاریخ اسلام نیز نمونه‌ای از قرارداد استرداد مجرمین را می‌توان در عقد صلحی مشاهده کرد که بین پیامبر اسلام (ص) و قبیله قریش امضا شد. منتها این قرارداد استرداد یک‌طرفه بود و پس از نقض مفادی از صلح‌نامه از سوی قریش در سوره ممتحنه آیه ۱۰ فسخ شد.^۳ اولین قرارداد استرداد مجرمین ایران در دوره جدید، قرارداد منعقد با دولت افغانستان در سال ۱۳۰۷ بود که هم اکنون از اعتبار افتاده است.

رویه حاکم بر استرداد مجرمین

نگاه سنتی حاکم بر حقوق استرداد مجرمین، بیش و پیش از آنکه استرداد مجرمین و آیین مترتب بر آن را از دیدگاه حقوقی مورد توجه قرار دهد؛ با دید و زاویه سیاسی به تحلیل و تعریف حقوق حاکم بر استرداد مجرمین پرداخته است. یکی از معاهداتی که می‌توان آن را نقطه آغازی در حقوقی دانستن استرداد مجرمین دانست معاهده جی بین انگلستان و امریکا بود. این معاهده، استرداد مجرمین را از یک فرایند سیاسی به یک فرایند حقوقی تبدیل کرد. معاهده اصولی را تأسیس نمود که بر طبق آن هیچ جرمی قابل استرداد نیست، مگر اینکه به صراحت در معاهده گنجانده شده باشد که دو جرم قتل و جعل جرایمی بودند که معاهده به آنها اشاره کرد.^۴ در پاره‌ای از معاهدات استرداد مجرمین، انواع جرایم مشمول استرداد، در متن معاهده گنجانده می‌شوند؛ یا جرایم خاصی تحت اصول و شرایط ویژه‌ای قرار می‌گیرند. به عنوان مثال ماده ۵ استرداد مجرمین بین استرالیا و ترکیه ۲۰۰۳ عنوان می‌دارد که در جرایم مرتبط با مالیات، عوارض، گمرک معادلات ارزی یا مالی اگر قانون کشور پذیرنده در بردارنده جرایم مشابهی باشد، استرداد مجرمین باید منطبق مفاد این معاهده واقع شود. پاره‌ای دیگر از معاهدات بدون درج نوع جرم و قراردادن قید حصر، استرداد را موکول به توافق‌های بعدی و وضعیت‌های پیش رو در زمان تقاضای استرداد می‌کنند. البته این نوع از معاهدات ممکن است در مقام اجرا و تقاضای استرداد با مشکلاتی مواجه شوند. چنانچه

1. Ibidem.

۲. فن‌گلان، درآمدی بر حقوق بین الملل عمومی، ۲۷۵.

3. <http://www.pajohe.com/FA/index.php?Page=definition&UID=44685>.

4. Pyle, Extradition Politics & Human Rights ,25.

بین دو کشور معاهده استرداد مجرمین منعقد نشده باشد، قضیه مطروحه از وضعیت حقوقی به وضعیت سیاسی تبدیل می‌شود که در این شرایط آیین‌های سیاسی و مراودات دوجانبه و دیپلماتیک نقش تعیین‌کننده‌ای در حل قضیه دارد.

مثالی که در ارتباط با موضوع مذکور می‌توان عنوان داشت مربوط به قضیه استرداد ابوسالم است. ابوسالم به دلیل بمب‌گذاری‌های سریالی بمبی در سال ۱۹۹۳، قتل گلشن کومار موسیقیدان برجسته هندی در سال ۱۹۹۷، قتل منشی یک بازیگر زن هندی، قتل یک انبوه‌ساز و بیش از ۵۰ مورد دیگر از سوی دولت هند محکوم شد. دولت هند با علم بر اینکه ابوسالم از کشور متواری است و در کشور پرتقال زندگی می‌کند خواستار استرداد او از پرتقال به هند شد که به دلیل فقدان توافق دو جانبه و نبود معاهده استرداد مجرمین، این درخواست با چالش‌هایی مواجه شد که منجر به تأخیر در اجابت خواسته مقامات هندی شد.^۱ در نهایت ابوسالم در سال ۲۰۰۲ به وسیله پلیس اینترپل در شهر لیسبون پرتال دستگیر شد و پس از دو سال مذاکرات دیپلماتیک میان دولت هند و پرتقال در سال ۲۰۰۴ دادگاهی در پرتقال اتهام‌های او را تأیید کرد و در سال ۲۰۰۵ به هند مسترد گشت.

اگرچه یک کشور ممکن است استرداد مجرمین را بر مبنای یک موضوع نزاکتی یا حسن نیت انجام دهد، اما بیشتر کشورها ترجیح می‌دهند روابط استرداد مجرمین را بر مبنای یک معاهده متضمن تعهدات دو جانبه انجام دهند.^۲ و دلیل آن را می‌توان در این دانست که در صورت فقدان معاهده کشورها هیچ الزامی در جهت مستردکردن مجرم ندارند. به عنوان مثال کشورهای کامن لا در صورت نبود معاهده، در عدم استرداد مجرمین هم رأی و هم رویه‌اند؛ اما تفاوت ساختاری این دو در این است کشورهای کامن لا، به طور عموم در صورت فقدان معاهده مجرمین را مسترد نمی‌کنند، درحالی که کشورهای غیر کامن لا در صورت فقدان معاهده، الزامی در جهت عدم استرداد قایل نشده‌اند.^۳

حقوق حاکم بر استرداد مجرمین تلفیقی از حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل است.^۴ اگرچه فرایند استرداد مجرمین یک فرایند بین‌المللی است، اما نمی‌توان از نقش حقوق و تأثیرپذیری فرایند بین‌المللی استرداد مجرمین از حقوق داخلی غافل شد. تأثیرگذاری حقوق داخلی تا به آنجا پیش می‌رود که در مواردی موضوع استرداد را کاملاً تحت تأثیر خود قرار داده و مانع از استرداد مجرم می‌شود. تأثیرگذاری حقوق داخلی بر فرایند استرداد مجرمین را می‌توان تحت دو سر فصل کلی مورد تحلیل قرار داد.

1. Thakur, Extradition Law As customary international law , 2.

2. Harrington, the Role for Human Rights Obligations in Canadian Extradition Law, 2.

3. Law text, Eftekhari, 237.

4. Obinna, International Law and Domestic Law, 2.

۱. مرحله وجود قانون.

۲. مرحله اجرای قانون.

در ادامه ضمن تشریح این دو مرحله، به تحلیل قضیه جولیان آسانز، بنیانگذار سایت ویکی لیکس با عنایت به دو مرحله وجود قانون و اجرای قانون خواهیم پرداخت.

۱. رهیافت وجود قانون

اولین مرحله‌ای که کشور پذیرنده مجرم باید به آن توجه داشته باشد، مرحله وجود قانون که مرحله‌ای کاملاً حقوقی است. بسیاری از جرایم قلمرو سرزمینی دارند و خارج از محدوده سرزمینی خود قابل تعقیب و مجازات نیستند. در این مرحله قاضی یا مقامات دولتی کشور پذیرنده، به بررسی جرم انجام گرفته می‌پردازند و چنانچه عمل صورت گرفته در کشور محل وقوع عمل، دارای ارکان تحقق جرم نباشد از استرداد خودداری می‌کنند.

از جمله این اعمال می‌توان به فعالیت‌های نظامی و سیاسی متواری در کشور خواهان، اشاره کرد. اعمالی که اگرچه می‌توان آن را طبق قوانین کشور خواهان جرم دانست، اما مجرمانه دانستن این اعمال صرفاً محدود به مرزهای کشور هدف است.

در بسیاری از معاهدات دوجانبه یا چندجانبه این جرایم مورد اشاره واقع شده و تکلیفی بر کشور پذیرنده بار شده که در چنین مواردی از استرداد خودداری کنند. ماده ۸ قانون استرداد مجرمین ایران عنوان می‌دارد: در موارد زیر استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد.

۲. هر گاه جرم ارتكابی از جرایم سیاسی بوده یا از اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آید. علاوه بر جرایم سیاسی و نظامی، جرایم عمومی نیز در بسیاری از موارد مشمول چنین وضعیتی می‌شوند.

در مواردی نیز ممکن است استرداد انجام گیرد، اما در مرحله اثبات جرم قضات کشور پذیرنده مجرم، به دلیل عدم مجرمانه بودن عمل در کشور محل وقوع عمل، متهم را از اتهام‌های وارده مبرا کنند.

نمونه چنین قضیه‌ای را می‌توان در قضیه عدنان خاشقی مشاهده نمود. خاشقی تاجر و سرمایه‌دار عربستانی بود که دولت امریکا به دلیل فعالیت‌های مشکوک تجاری، علیه او طرح دعوی کرد و از دولت سوییس که محل اقامت و زندگی خاشقی بود، خواهان دستگیری و استرداد او به امریکا شد. دولت سوییس نیز به دنبال این درخواست خاشقی را دستگیر و به امریکا مسترد کرد. از جمله اتهام‌های خاشقی اخاذی و کسب مال غیر قانونی بود، اما خاشقی از اتهام اخاذی مبرا شد، به این دلیل که اخاذی بر طبق قوانین سوییس جرم نیست و بنابراین، آن بخش از اقدامات خاشقی دارای عنوان مجرمانه نیست.

۲. رهیافت اجرای قانون

از دیگر مواردی که حقوق استرداد مجرمین را تحت تأثیر قرار داده است، نحوه اجرای قانون در صورت استرداد مجرم است. نگاه حقوق بین‌الملل و قواعد مترقیانه استرداد، بیش و پیش از آنکه معطوف به مجازات مجرم باشد، معطوف به نحوه اجرای مجازات از سوی کشور خواهان استرداد است. در این مرحله، قضات کشور پذیرنده درخواست استرداد، پس از احراز مسوول بودن متواری به ارتکاب جرم، به این موضوع خواهند پرداخت که در صورت استرداد، آیا مجرم از موازین دادرسی عادلانه و مجازات‌های منطبق با اصول حقوق بشر برخوردار خواهد بود یا نه؟ اصولی که در بسیاری از کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های جهانی مصادیق آن را می‌توان دریافت. از جمله اعلامیه‌ها و اصول زیر:

ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که عنوان می‌دارد هیچ‌کس نباید در معرض شکنجه، رفتارهای غیرانسانی، رفتار و مجازات تحقیرآمیز قرار گیرد.

ماده ۵ منشور حقوق بشر و مردم افریقا عنوان می‌دارد همه اشکال استثمار و تحقیر انسان‌ها علی‌الخصوص به بردگی گرفتن انسان‌ها، تجارت برده، شکنجه، اعمال بی‌رحمانه، مجازات‌ها و رفتارهای تحقیرآمیز یا غیرانسانی ممنوع است.

بند ۲ ماده ۳ منشور فوق‌الذکر تصریح می‌کند که هر شخصی باید تحت حمایت قانون باشد. تفسیری که از این ماده می‌توان عنوان داشت این است که مراد از قانون، قانون عادلانه منطبق با روح حقوق بشر و علی‌الخصوص اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در ماده ۵ این اعلامیه ذکر شده است که هیچ‌کس نباید در معرض شکنجه یا اعمال بی‌رحمانه، مجازات‌ها و رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد.

ماده ۷ میثاق حقوق مدنی سیاسی عنوان می‌دارد که هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتاری‌های ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد.

با عنایت به اهمیت روزافزون این اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی و با شکل‌گیری رویه جدید پاره‌ای از کشورها خود را متعهد به عدم استرداد مجرمینی می‌دانند که بیم بدرفتاری و اعمال مجازات‌های خشن و تحقیرآمیز بر آنها می‌رود.

کانادا، مکزیک و کشورهای اتحادیه اروپا استرداد مجرمین به امریکا را مشروط به تعهد و تضمین امریکا بر عدم مجازات اعدام دانسته‌اند.^۱

دادگاه قانون اساسی ایتالیا پا را از این فراتر نهاده و استرداد مجرمین را (در صورت وجود علم بر ناعادلانه بودن دادرسی و یا مجازات‌های مخالف با اصول حقوق بشر) حتی در صورت تضمینات (قضایی و دولتی) رد کرده است. در پرونده *pietro venezia* ایتالیا به‌رغم

تضمینات امریکا مقرر داشته است که تحت هیچ شرایطی ایتالیا venezia را به امریکا مسترد نمی‌کند، چون که او بر طبق قوانین ایالات فلوریدا با مجازات مرگ مواجه بود.^۱ رویه موجود در بسیاری از معاهدات استرداد مجرمین ناظر به همین مطلب است که در چنین مواردی کشورها خود را ملزم به عدم استرداد مجرم می‌نمایند که در زیر به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد:

ماده ۶: معاهده استرداد مجرمین بین استرالیا و ایتالیا منعقد در سال ۱۹۸۸.

ماده ۷: معاهده استرداد مجرمین بین استرالیا و اندونزی منعقد در سال ۱۹۹۴.

ماده ۶: معاهده استرداد مجرمین بین ایالات متحده امریکا و سوییس منعقد در سال ۱۹۹۵.

بند ۱ ماده ۸: معاهده استرداد مجرمین بین ایالات متحده امریکا و مکزیک منعقد در سال ۱۹۷۸.

ماده ۵: معاهده استرداد مجرمین بین ایالات متحده امریکا و فیلیپین منعقد در سال ۱۹۹۴.

تحلیل قضیه جولیان آسانژ

جولیان آسانژ روزنامه‌نگار و فعال اجتماعی متولد استرالیا از بنیانگذاران سایت ویکی لیکس است. سایتی که با هدف جامعه باز و دسترسی آزاد به اطلاعات به افشاگری‌هایی پرداخت که دولت امریکا و پنتاگون بیشترین ضربه را از ویکی لیکس و آسانژ متحمل شدند. در آوریل سال ۲۰۱۰، ویکی لیکس ویدیویی را از حادثه حملات هوایی سال ۲۰۰۷ عراق منتشر کرد که در آن افراد غیرنظامی عراقی و خبرنگاران به دست نیروهای امریکایی کشته شدند. در جولای همان سال، ویکی لیکس اسناد محرمانه جنگ افغانستان را منتشر کرد که حاوی بیش از ۷۶۹۰۰۰ سند در مورد جنگ افغانستان بود. در اکتبر همان سال ویکی لیکس، بسته‌ای حاوی ۴۰۰۰۰۰ سند محرمانه دیگر را انتشار داد که گفته می‌شد مربوط به جنگ عراق است. با انتشار بخشی از اسناد مربوط به اقدامات امریکا، ایالات متحده از مقامات ویکی لیکس خواست که از انتشار بیشتر اسناد که جزء اسناد طبقه‌بندی شده امریکا بود خودداری کند.^۲ اما خواسته مقامات امریکایی با بی‌توجهی مقامات ویکی لیکس مواجه شد.

آسانژ مدت کوتاهی در سوئد زندگی کرد و پس از بازگشت به انگلستان با اتهام تجاوز جنسی به دو زن در سوئد مواجه شد. به دنبال آن مقامات سوئد خواهان استرداد او به سوئد شدند. آسانژ که همواره اتهام تجاوز جنسی به دو زن را بی‌اساس می‌خواند، تقاضای

1. Cleave and Rachel A, The Role of United States Federal Courts in Extradition Matters: The Rule of Non-Inquiry Preventive Detention and Comparative Legal Analysis, 37.

2. <http://webcitation.org/5ukvPaEhj>

استردادش به سوئد را مقدمه‌ای برای انتقام‌گیری ایالات متحده آمریکا از وی قلمداد کرد و بیم بر آن داشت که پس از استردادش به سوئد مقامات آمریکایی با طرح دعوی علیه وی، خواستار استردادش به آمریکا شوند.

استردادی که با تحقق آن ممکن است آسانژ با اتهام‌های جدی از قبیل تروریسم یا خیانت و مجازات‌هایی همچون اعدام یا حبس ابد محکوم شود.

در نهایت با تأیید حکم استرداد او از انگلستان به سوئد به وسیله دادگاه عالی لندن، آسانژ به سفارت اکوادور در لندن پناهنده شد و تا نگارش این مقاله دولت انگلستان نه تنها اجازه خروج او را از انگلستان به اکوادور صادر نکرده، بلکه تمام تلاش خود را در جهت دستگیری آسانژ به کار بسته است.

در ادامه با تحلیل قضیه جولیان آسانژ و با عنایت به دو رهیافت ۱. وجود قانون و ۲. اجرای قانون به چرایی و چگونگی تقاضای استرداد آسانژ می‌پردازیم:

۱. قضیه جولیان آسانژ با عنایت به رهیافت وجود قانون:

در تحلیل پیش رو بدون در نظر گرفتن اتهام تجاوز جنسی به دو زن سوئدی و صرفنظر از موجه یا بی‌پایه بودن این اتهام به عکس‌العمل ایالات متحده آمریکا نسبت به افشاکاری ویکی لیکس و جولیان آسانژ پرداخته و اتهام‌های وارده به آسانژ از سوی مقامات آمریکایی را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

آمریکا اگرچه به طور رسمی و از طریق مراجع قانونی علیه آسانژ طرح دعوی نکرده و تقاضای دستگیری و استرداد آسانژ را به هیچ کشوری اعلام نداشته است، اما می‌توان با تحلیل موضع‌گیری و سخنان مقامات آمریکایی به نیت واقعی کاخ سفید پی برد.

در دسامبر ۲۰۱۰ جو بایدن معاون باراک اوباما، جولیان آسانژ را یک تروریست فناوری برتر معرفی کرد. بایدن ادامه می‌دهد در صورتی که آسانژ با یک عضو ارتش آمریکا برای به دست آوردن اسناد طبقه‌بندی شده همکاری کرده باشد، مجرم است.^۱

سناتور جمهوریخواه ایالت کارولینای جنوبی لیندزی گراهام کارکنان ویکی لیکس را به آغشته بودن دست‌شان به خون انسان‌ها متهم کرد. پیتز کینگ نماینده نیویورک به هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کرد که ویکی لیکس را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کند.^۲

رهبان اقلیت سنای میچ مک کونل عبارت تروریست فناوری بالا را برای آسانژ به کار برد و عنوان داشت: او (آسانژ) آسیب زیادی به کشور ما زده است. به گمان من باید به اشد مجازات محکوم شود.

1. <http://www.csmonitor.com/USA/2010/1220/WikiLeaks-chief-Julian-Assange-Terrorist-or-journalist>

2. <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/northamerica/usa/8166607/WikiLeaks-US-Senators-call-for-WikiLeaks-to-face-criminal-charges.html>

سارا پیلین فرمانده سابق ایالات آلاسکا و نامزد پست معاونت ریاست جمهوری از سوی مک کین، آسانژ را تهدیدی همچون القاعده معرفی کرد و خواستار مبتلاشدن سرنوشت آسانژ به سرنوشت اسامه به لادن شد.^۱

مجموعه این اظهارنظرها دلالت از عزم جدی امریکا برای محاکمه آسانژ دارد، اما مسأله مهم و قابل تأمل این است که آیا قانون این اجازه را به دولت امریکا و سایر دولت‌ها می‌دهد که بتوانند جولیان آسانژ را به عنوان تروریست یا جاسوس معرفی کنند؟

موضوع بسیار غیرمسئولانه و غیرحقوقی که مقامات امریکایی به آن استناد می‌کنند این است که افشاگری‌های آسانژ موجب اقدامات تلافی‌جویانه علیه نیروهای امریکایی در عراق و افغانستان می‌شود. رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا انتشار این اسناد از سوی وبگاه ویکی لیکس را برای جان سربازان امریکایی، متحدان و طرفداران این کشور در افغانستان، به طور بالقوه خطرناک دانست و هشدار داد که به اعتبار ایالات متحده در جهان لطمه می‌زند. حال آنکه افشاگری‌های ویکی لیکس نه فقط اعمال تروریستی محسوب نمی‌شود، بلکه اعمالی در جهت معرفی تروریست دولتی امریکا و حرکتی در جهت جلوگیری از تروریست است. با فرض بر واردبودن اتهام‌های امریکا در نقض حقوق ایالات متحده از سوی آسانژ، تقاضای استرداد او را نمی‌توان در زیر عنوان مجرمانه تروریست معرفی کرد.

عمل آسانژ عملی سیاسی محسوب می‌شود که بر فرض جرم بودن، در دسته فعالیت‌ها و جرایم سیاسی طبقه‌بندی می‌شود و بر طبق بسیاری از معاهدات دوجانبه و چندجانبه مذکور و رویه فعلی حقوق حاکم بر حقوق استرداد مجرمین، این دسته از جرایم مشمول مصونیت‌های خاص‌اند که در صورت تقاضای کشور خواهان برای استرداد مجرمین سیاسی به تقاضای آنها ترتیب اثر داده نخواهد شد.

البته مصونیت مجرمین سیاسی جنبه عام و اطلاق ندارد، با این توضیح که چنانچه متهم دست به اقدامات مسلحانه در جهت حذف فیزیکی مقامات دولتی بزند و به کشور دیگری متواری شود، کشور پذیرنده متواری را به کشور خواهان مسترد می‌کند.

استثنایی که مثال آن را می‌توان در اقدام ایلیا پیانزین یافت. مقامات اُکراین ایلیا پیانزین شهروند قزاق را که متهم به برنامه‌ریزی برای قتل ولادیمیر پوتین، بعد از انتخابات ریاست جمهوری چهارم مارس بود به روسیه مسترد کردند.^۲

استردادی که نمی‌توان آن را ناعادلانه و مخالف با موازین حقوق بین الملل قلمداد کرد.

1. <http://www.dailymail.co.uk/news/article-1334341/WikiLeaks-Sarah-Palin-demands-Julian-Assange-hunted-like-Al-Qaeda-terrorist.html>

1. <http://www.themoscowtimes.com/mobile/news/article/putin-plot-suspect-extradited-to-russia-report-says/467109.html>

اتهام دیگری که مقامات امریکایی به آسانژ نسبت می دهند، اتهام جاسوسی است. اگرچه نمی توان تعریف جامع و مانعی برای جاسوس مطرح کرد، اما می توان عنوان داشت جاسوس شخصی است که قصد وارد آوردن ضرر به کشوری و انتفاع رساندن به کشور دیگری را دارد و با انتقال اطلاعات از یک کشور به کشور دیگر به امنیت ملی کشورها خساراتی وارد می کند که در نهایت عمل او منجر به تیرگی روابط بین کشور متضرر و منتفع می شود و در مقیاسی کلان می توان جاسوس را تهدیدی برای صلح و امنیت بین الملل قلمداد کرد. حال آنکه فعالیت آسانژ را می توان از دو جنبه از فعالیت های جاسوسی متمایز است.

۱. **قصد انتفاع:** هدف سایت ویکی لیکس برخلاف فراقلمنی های مقامات امریکایی وارد آوردن خسارت به کشور خاصی و منتفع کردن کشوری دیگر نبوده است. ضمن آنکه گستره اطلاعات منتشر شده و شمولیت موضوعها و افراد تحت الذکر آن در حدی است که نمی توان آسانژ را به سازمان، حزب یا کشور خاصی منتسب دانست.

۲. **وجود تهدید برای صلح و امنیت بین الملل:** اقدام جاسوس به این دلیل می تواند تهدیدی برای صلح و امنیت بین الملل محسوب شود که در آن اطلاعات افشا به ابزاری تبدیل می شود که کشور منتفع با بهره گیری از اطلاعات به دست آمده کشور متضرر را تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار می دهد و با این عمل بر قدرت و نفوذ خود بر کشور متضرر می افزاید. حال آنکه اگر هدف از افشای اطلاعات حرکت در راستای اعتلای حقوق بشر، صلح و امنیت بین الملل باشد، نمی توان عمل صورت گرفته را جاسوسی نامید.

به عنوان مثال اقدامات انجام گرفته از سوی سازمان های بین المللی غیردولتی از جمله سازمان دیده بان حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل را صرف نظر از درست یا اشتباه بودن اطلاعات، نمی توان تحت عنوان جاسوسی معرفی کرد. بنابراین اقدامات و افشاگری های آسانژ را به این دلیل که در راستای افشا کردن جنایات امریکا و عراق در افغانستان است، نه تنها نمی توان تهدیدی برای صلح و امنیت بین الملل دانست، بلکه خود پیام آور صلح و امنیت بین الملل است و هیچ گاه نمی توان افشاگری های ویکی لیکس را با عنوان مجرمانه جاسوسی مورد تعقیب قرار داد.

با توضیحات ارائه شده می توان نتیجه گرفت که عنوان های مجرمانه ای که مقامات امریکایی به آسانژ نسبت می دهند برای دور زدن قوانین بین المللی و سیاسی کردن قضیه است. بر طبق یک اصل و روال قدیمی، کشورها ممکن است در صورتی که اعتقاد داشته باشند جرم انجام شده دارای ویژگی های سیاسی است یا اگر فرایند تعقیب قضایی تبدیل به فرایند سیاسی شود، از تعهدات استرداد مجرمین سرباز بزنند.^۱

1. Hayes, The new UK-US Extradition Treaty, no 17.

حال آنکه در قضیه آسانژ، دولت سوئد با ظن بر اینکه ممکن است فرایند حقوقی به فرایند سیاسی تبدیل شود، هیچ واکنش مثبت و منصفانه‌ای در جهت رفع ابهام‌ها انجام نداده است. گواه این ادعا را می‌توان در واکنش دولت سوئد، امریکا و انگلیس پیش از پناهندگی آسانژ به سفارت اکوادور دانست.

در حالی که مقامات اکوادور در تلاش برای رسیدن به یک راه‌حل دیپلماتیک برای عدم استرداد آسانژ به امریکا از طریق گرفتن تضمین از امریکا، انگلیس و سوئد در صورت سفر آسانژ به سوئد برای طی مراحل بازپرسی بودند، با سکوت هر سه کشور در مقابل خواسته‌شان مواجه شدند.^۱ همچنین اکوادور به مقامات سوئد پیشنهاد داد که در سفارت لندن از آسانژ بازجویی شود که باز هم مقامات سوئد آن را رد کردند و بر ابهام‌های موجود افزودند. پس از تلاش‌های بی‌فرجام اکوادور در حل دیپلماتیک قضیه آسانژ، سرانجام اکوادور آسانژ را تحت حمایت سیاسی خود قرار داد و در ۱۶ آگوست ۲۰۱۲ به او پناهندگی سیاسی اعطا کرد.

۲. قضیه جولیان آسانژ با عنایت به رهیافت اجرای قانون:

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در رویه حاکم بر معاهدات استرداد مجرمین و در عرف بین‌الملل، صرف بر حق بودن دولت خواهان استرداد نمی‌تواند دلیلی بر پذیرش استرداد متهم یا مجرم به کشور خواهان شود. نحوه اجرای قانون و نوع مجازات متناسب با جرم آن چنان اهمیتی دارد که در موارد بسیاری موجب امتناع کشورپذیرنده مجرم از استرداد می‌شود. در بسیاری از معاهدات دوجانبه، کشورها خود را مقید به شرطی می‌دانند که در آن حفظ جان مجرم و عادلانه بودن استرداد، شرط لازم در جهت استرداد مجرم است.

در طول تاریخ معاهدات بسیاری را می‌توان یافت که از این اصل پیروی نموده و خود را مقید به اصولی در جهت حفظ جان یا کرامت مجرم نموده‌اند. به عنوان مثال در معاهده منعقد شده بین رامسس دوم پادشاه مصر و پادشاه هیتیت ذکر شده بود که در صورت استرداد، نسبت به شخص مسترد شده نباید مجازات‌های شدید از قبیل قطع اعضای بدن و مجازات‌های بدنی دیگر و ویران کردن خانه و خانواده او انجام گیرد و چنانچه هولترندوف نویسنده حقوقی می‌گوید: شاید این قید برای این بود که در آن زمان استرداد را مخالف با حقوق مقدسه میهمان‌نوازی و پناهندگی تلقی می‌کردند.

در قضیه آسانژ، اگرچه هنوز تعقیب قضایی از سوی امریکا صورت نگرفته بود، اما سکوت معنادار امریکا را نمی‌توان دلیلی بی‌جهت بر ترس آسانژ از استردادش به امریکا و در نتیجه متهم شدن به جرایم تروریستی و جاسوسی و محکوم شدن به مجازات‌هایی همچون حبس

1. http://salsa.democracyinaction.org/o/1439/p/dia/action/public/?action_KEY=11300

ابد یا اعدام دانست. سکوتی که John B. Bellinger مشاور حقوقی سابق وزارت خارجه آمریکا آن را چنین تحلیل می‌کند. بلینگر معتقد است که اگر ایالات متحده درخواست دستگیری آسانژ را در حالی صادر کند که وی در بریتانیا بسر می‌برد، قضیه برای بریتانیا در انتخاب تقاضای مطرح شده از سوی سوئد و ایالات متحده آمریکا سخت و پیچیده می‌شود. طبق قانون استرداد مجرمین بریتانیا، وزارت کشور با توجه به اولویت‌هایی همچون تشخیص کم خطر بودن مجازات، متناسب با جرم و زمان ارائه درخواست، یکی از تقاضاها را انتخاب می‌کند. به همین دلیل ایالات متحده صبر می‌کند تا آسانژ به سوئد مسترد شود و پس از آن تقاضای استردادش را مطرح می‌کند.^۱

آنچه که در این پرونده آسانژ و گروه وکلای او از دولت سوئد می‌خواهند ارائه تضمینی دال بر عدم استرداد او به امریکاست که بنا بر قرائن موجود به دنبال حذف فیزیکی یا حداقل حذف اندیشه آسانژ هستند. در چنین مواردی دولت سوئد موظف به ارائه تضمیناتی در جهت حمایت از جان آسانژ است، مسأله‌ای که با وجود تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک، دولت سوئد از آن سرباز زده است.

با وجود اینکه سوئد را می‌توان نمونه‌ای بارز از یک حکومت دمکراتیک و کم حاشیه در نظام بین‌الملل معرفی کرد، اما اقدام اخیر این دولت در برآوردن مقاصد کاخ سفید، ضمن کاهش وجهه این دولت بر ترس آسانژ از استردادش به سوئد و از سوئد به امریکا افزوده است.

همچون اکثر کشورهای اروپایی به‌ویژه بریتانیا، سیاست خارجی سوئد همسو و منطبق با دولت امریکاست. قضیه استرداد احتمالی آسانژ تنها موردی نیست که سوئد با هم پیمان خود ایالات متحده در نقض حقوق بشر و حقوق بین‌الملل مشارکت می‌کند. در سال ۲۰۰۱، مقامات سوئد دو تبعه مصر را که باید به مصر بازگردانده می‌شدند به مقامات سیا (CIA) تحویل دادند که بعدها سیا آنها را مورد شکنجه قرار داد. اقدامی که از سوی کشورهای عضو سازمان ملل محکوم شد و حکومت سوئد مجبور به پرداخت غرامت به دو قربانی شکنجه شد. ضمن آنکه هر دو نفر بعدها از هر اتهامی مبرا شدند.^۲

از سوی دیگر مقامات اکوادور عنوان می‌کنند که بریتانیا، طبق معاهده استرداد مجرمین بین دو کشور که به قرن ۱۹ میلادی بر می‌گردد باید تضمیناتی را در جهت حفظ امنیت آسانژ و خروج او از بریتانیا بدهد.^۳ حال آنکه بریتانیا اعلام کرد که در صورت نیاز به سفارت اکوادور وارد خواهد شد و آسانژ را دستگیر و به سوئد مسترد خواهد کرد.

1. <http://blogs.crikey.com.au/this-blog-harms/2011/11/17/assange-the-questions-gillard-must-ask-obama>

2. <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2012/09/20129674125619411.html>

3. <http://www.thelocal.se/43498/20120928>

نتیجه‌گیری

ضمن اشاراتی مختصر به تاریخچه استرداد مجرمین آنچه در این مقاله در پی آن بودیم تفکیک دو رهیافت وجود قانون و اجرای قانون برای تحلیل موارد متعدد استرداد مجرمین بود. ضمن تفکیک و تبیین این دو رهیافت با پیش کشیدن قضیه جولیان آسانژ به عنوان مثالی درخور تأمل، به نسبت اتهام‌های وارده به او و مسؤولیت‌پذیری یا عدم مسؤولیت‌پذیری دولت‌های درگیر اشاراتی داشتیم. با عنایت به رهیافت وجود قانون دریافتیم که اتهام‌های واهی مقامات امریکایی به آسانژ نه تنها بی‌اساس و فاقد وجهه قانونی است، بلکه ابزاری سیاسی در جهت حذف اندیشه آسانژ است. آنچه رهیافت اجرای قانون به ما عرضه کرد، اهمیت مسؤولیت‌پذیری دولت‌ها در حمایت از اشخاص و نگاهی بی‌طرفانه نسبت به اتهام‌های وارده به متهم «جولیان آسانژ» بود. مسأله‌ای که تا به امروز دولت سوئد و انگلیس در آن به نحوی عامداً و عالمماً کوتاهی کرده‌اند. حال آنکه اگر آسانژ، اسناد هر کشور دیگری غیر از امریکا را افشا می‌کرد ممکن بود از سوی خود سفارت انگلیس پیشنهاد پناهندگی دریافت کند و به عنوان یک قهرمان بین‌المللی مورد احترام لندن و حتی کاخ سفید واقع شود.

منابع فارسی

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۸۵.
۲. صانعی، پرویز. حقوق جزای عمومی. تهران: طرح نو، ۱۳۸۸.
۳. فن گلان، گرهارد. درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی. جلد اول. ترجمه سیدداوود آقایی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
۴. ذوالعین، پرویز. مبانی حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۵. وبسایت پژوهشکده باقرالعلوم: <http://www.pajoohe.com/FA/index.php?Page=definition&UID=44685>

منابع لاتین

1. Geoff, Gilbert. *responding to international crime*. Netherlands: Martinus Nijhoff publisher, 2006.
2. Geoff, Gilbert. *Transnational Fugitive Offenders in International Law: Extradition and Other, mechanisms*, Netherlands: Martinus Nijhoff publisher, 1998.
3. Shearer, Ivan Antony. *Extradition in International Law*. Manchester, published by university of Manchester 1971.
4. Zanotti, Isidoro. *Extradition in Multilateral Treaties and Conventions*

Netherlands: Martinus Nijhoff publisher, 2006.

5. G. Eftekhari. Law text, Tehran. Ganje Dansh Publication. 1386.

Journals and Article

1. Pyle, Christopher H. "Extradition Politics & Human Rights", *The American Journal of International Law*, Vol. 95, No. 4 (Oct., 2001), 997-1001. Accessed February 3, 2013.
2. Harrington, Joanna. "The Role for Human Rights Obligations in Canadian Extradition Law". *Canadian Yearbook of International Law*, Vol. 43, (2005): 1-56. Accessed February 3, 2013.
3. Thakur, Rustam Singh. "Extradition Laws as Customary International Law, Pakistan Should Handover Dawood Ibrahim & Masood Azhar to India". *Hidayatullah National Law University*, (2009). Accessed February 3, 2013
4. Onyeneke, Obinna H.C. *Extradition: International Law and Domestic Law: Gary McKinnon v. Natwest Three*. Independent (2009): Accessed February 3, 2013.
5. Van Cleave, Rachel A. "The Role of United States Federal Courts in Extradition Matters: The Rule of Non-Inquiry Preventive Detention and Comparative Legal Analysis". *Temple International & Comparative Law Journal*, (Vol. 13, No. 27, 1999): 26-55. Accessed February 3, 2013.

Website:

1. <http://www.capitalpunishmentincontext.org/issues/international>
2. Webcite: WikiLeaks to publish new documents Available at: <http://web-citation.org/5ukvPaEhj>
3. The Christian Science Monitor: WikiLeaks chief Julian Assange: 'Terrorist' or journalist. Available at <http://www.csmonitor.com/USA/2010/1220/WikiLeaks-chief-Julian-Assange-Terrorist-or-journalist>
4. The Telegraph: WikiLeaks: US Senators call for WikiLeaks to face criminal charges. Available at: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/northamerica/usa/8166607/WikiLeaks-US-Senators-call-for-WikiLeaks-to-face-criminal-charges.html>
5. Mail Online: Hunt WikiLeaks chief down like Osama bin Laden: Sarah Palin demands Assange is treated like Al Qaeda terrorist. Available at: <http://www.dailymail.co.uk/news/article-1334341/WikiLeaks-Sarah-Palin-demands-Julian-Assange-hunted-like-Al-Qaeda-terrorist.html>
6. The Moscow Times: Putin Plot Suspect Extradited to Russia. Available at: <http://www.themoscowtimes.com/mobile/news/article/putin-plot-suspect-extradited-to-russia-report-says/467109.html>
7. Just Foreign Policy: UK: Don't Allow US Extradition of Assange.

- Available at: http://salsa.democracyinaction.org/o/1439/p/dia/action/public/?action_KEY=11300
8. Crikey: Assange case: it's time for Gillard to ask Obama some important questions. Available at: <http://blogs.crikey.com.au/this-blog-harms/2011/11/17/assange-the-questions-gillard-must-ask-obama>
 9. Aljazeera: Assange case: Sweden's shame in violating human rights. Available at: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2012/09/20129674125619411.html>
 10. Hayes, Ben. "The new UK-US Extradition Treaty". Statewatch analysis no 17
 11. Amnesty. Available at: <http://www.thelocal.se/43498/20120928>
 12. Extradition Treaty between Australia and the Republic of Italy Available at: http://www.austlii.edu.au/au/legis/cth/consol_reg/eoir417/sch1.html
 13. Extradition Treaty between Australia and the Republic of Indonesia Available at: <http://www.comlaw.gov.au/Details/F1996B01255>
 14. Extradition Treaty between Us and the Switzerland Available at: <http://www.assetrecovery.org/kc/node/cc539144-a342-11dc-bf1b-335d0754ba85.1>
 15. Extradition Treaty between Us and Mexico Available at: http://www.oas.org/juridico/mla/en/traites/en_traites-ext-usa-mex.pdf
 16. Extradition Treaty between Us and philippine Available at: <http://internationalextraditionblog.files.wordpress.com/2011/03/phil.pdf>
 17. The European Convention on Human Rights Available at: <http://www.hri.org/docs/ECHR50.html>
 18. African Charter on Human and Peoples' Rights Available at: <http://www.hrcr.org/docs/Banjul/afrhr3.html>
 19. International Covenant on Civil and Political Rights Available at: <http://www.unhcr.org/refugees/pdf/4ac69626.pdf>
- The procedure in extradition law with insist on Julian Assange's cases

The procedure in extradition law with insist on Julian Assange's cases

FaridAzadbakht
Mehdi TavanaeManesh

Abstract:

Despite of the previous procedure in regard of extradition's law which the authorities' political profits had determined role in its status, in the new international order in order to activate extradition's process, we need inevitably to consider two approaches; law and morality which can be recognized as law approach and enforcement law approach. In some cases like Julian Paul Assange, the extradition's process is affected by political interests of some countries. In this essay we are going to present a short history of extradition and explain the two mentioned approaches with regard to Julian Assange's case, the founder of WikiLeaks, and via his functions and the approaches we will analyse his charges in the law level and Sweden and England governments' liabilities in enforcement law level.

Keywords:

Law approach, enforcement law approach, Julian Paul Assange, WikiLeaks, United States of America, England, Sweden

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XIV, No. 1

2015-1

- **Tension between Zonal and Global management in prevention and repression of criminal acts in sea**
Djamchid Momtaz - Massoud Alizadeh - Shahram Zarneshan
- **Legal system governed on succeed obligation for merging Trade Companies**
Bahram Hasanzadeh
- **Allocati on of legislative jurisdiction of Parliament in the constitutional order of Iran**
Javad Taghizadeh - Fatemeh Samieyan
- **A Comparative Study of Iran's Criminal Legislative Policy With UNCAC in the field of Financial Anti-corruption and its Evolutions**
Mohammad Bagheri Komar Olia
- **Open source software system**
Seyed Mohsen Tolou - Jafar Nezamolmolli
- **The legitimacy of using force against Pirates off the coast of Somalia**
Zakieh Taghizadeh
- **The procedure in extradition law with insist on Julian Assange's cases**
FaridAzadbakht - Mehdi TavanaeManesh
- **Structure and Efficiency of African Court on Human and People's Rights**
Seyed Yaser Ziaee -Sadegh Jafarzadeh Darabi
- **Bright Law in the Black Sea: Flexibility and Predictability of Maritime Delimitations Criteria in the ICJ's Decision on Romania/Ukraine (2009)**
Jamshid Mazaheri
- **A comprehensive legal challenge: Italy versus ICJ**
Faraz shahlaei



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study